

مبارزه طبقاتی

نشریه سیاسی خبری تشکیلات کارگران انترناسیونالیست - شماره ۶ - سال اول - بهمن ماه ۱۳۸۰

P A, BOX 163, 433 33 PARTILLE, SWEDEN

سخنی با

محافل مبارز کارگری

تشکل‌یابی طیفی از مبارزان جنبش کارخانه‌ها و محافل کارگری که بر اثر تجارب خود بر نقش بورژوازی و مخرب توده‌ایسم، فدائیسیم و مائوئیسم واقف گشته‌اند، میتواند تاثیر بسزایی در بازسازی و احیای جنبش کمونیستی در ایران نهد. طیفی که ما از آن همواره در ادبیات خود تحت عنوان: «جریان انتقادی درون جنبش کارگری» یاد کرده‌ایم.

بدیهی است که نباید فعالین این طیف را، با اجزاء پراکنده سازمانهایی که میکوشند چپ ایران را با وصله پینه کردن تفکرات کهنه سابق بازسازی کنند، یکسان تلقی نمود. به همین سیاق نیز نباید ایندسته از محافل کارگری و سیاسی مستقل را با خیل وسیعی که در دوره معینی بصورت انجمن‌ها و پروژه‌های مختلف هنری و سیاسی ظاهر شده و سپس بسان حباب‌های سیاسی ناپدید میشوند یکی گرفت. اگر دسته اول تجلی مایوسانه مائوئیسم و استالینیسم برای برگشت به «دوران طلایی» سابق است، پدیدار شدن دسته دوم را میتوان تجلی تحول سوسیال دمکراتیک چپ بشمار آورد.

ادامه در صفحه ۵

«اطلاعیه»

سقوط اقتصادی آرژانتین
نشان احتضار سرمایه‌داری است،
زنده باد انقلاب جهانی!

در صفحه ۴

تظاهرات معلمان در تهران،
شکستی دیگر برای اصلاح‌طلبان

در صفحه ۲

تداوم اعتراضات کارگری
در صنایع نساجی

در صفحه ۳

سخنی با محافل مبارز کارگری

در صفحه ۵

«اطلاعیه»

سرکوب حرکت اعتراضی کارگران
کارخانه «بارش» اصفهان محکوم است

در صفحه ۳

«مجلس به این بی‌غیرتی، هرگز ندیده ملتی» موجب رسوایی سازمان‌دهندگان این حرکت شد.

کارگران، فرهنگیان،

بسته‌آمده‌گان از جهنم سرمایه!

ترفند «اعتراضات صنفی و قانونی» جناح اصلاح‌طلب حکومت اسلامی، ریشه در هراس اینان از خروش انقلابی توده‌های میلیونی دارد. نظام «سرمایه‌داری عادل و اصلاح‌شده» وجود ندارد. سرمایه‌داری، نظم بی‌عدالتی و بی‌حقوقی، نظم فقر و فحشاء و نظم جنگ و جنایت است. اگر از جنگ و سرکوب و فقر و بیعدالتی به ستوه آمده‌اید، علیه کلیت سرمایه‌داری، علیه همه جناحها و احزاب آن متحد شوید!

این اتحاد تنها و تنها از طریق تکیه به بزرگترین و عظیم‌ترین نیروی دگرگون‌ساز جامعه، یعنی طبقه کارگر و حزب انترناسیونالیست آن ممکن می‌گردد. حزبی که باید بدست مبارزان کارگری و حمایت شما ایجاد گردد. حزبی که با سازماندهی انقلاب کمونیستی، بنای جامعه‌ای نوین را پی خواهد ریخت.

یا براندازی نظم سرمایه‌داری از طریق

انقلاب کمونیستی و یا بربریت سرمایه‌داری.

راه دیگری وجود ندارد.

۵ بهمن ماه ۱۳۸۰

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست

تظاهرات معلمان در

تهران، شکستی دیگر

برای اصلاح‌طلبان

جدال در محافل بالای حکومت اسلامی برای چگونگی تقابل با جنبش روزافزون اعتراضی کارگران و دیگر اقشار اعتراضی تداوم دارد. استراتژی «مهار و سیاست‌زدایی جنبشهای اعتراضی» از طریق سوق دادن این حرکتها به مسیر قانونی و مسالمت‌آمیز و استراتژی «بریدن دست و گردن، حلق‌آویز کردن در ملاء عام» دو راهکار دو جناح حکومتی در نحوه رویارویی با جنبش اعتراضی فزاینده کارگری و توده‌ای است.

جناح اصلاح‌طلب رژیم جمهوری اسلامی و نهادهای وابسته بدان، با آگاهی به بن‌بست شیوه سرکوب عریان، کمر به نجات نظام متعفن اسلامی بسته است. از همین رو نیز اینان کوشش فراوانی برای ایجاد نهادهای فرمایشی صنفی در میان صنوف مختلف کشور بعمل می‌آورند.

تظاهرات معلمان در تهران اقدامی در این راستا بود که با شکست مواجه گردید. علیرغم تلاش نهادهای حکومتی در کنترل شعارها و صفوف تجمع‌کنندگان، این تظاهرات تبدیل به حرکتی علیه هر دو جناح حاکم گشت. بدلیل درگیری باندهای درون حکومتی، جنبش اصلاح‌طلبی نتوانست مهر قانون و اصلاحات را بر این تظاهرات بکوبد. در کنار شعارهایی نظیر «حقوق سالانه یک معلم حقوق ماهانه یک وزیر است»، شعار «بیت‌المال حیا کن هاشمی را رها کن» روح نارضایتی سیاسی حاکم بر تجمع‌کنندگان را بنمایش گذاشت.

افزون بر آن، برخلاف برنامه‌ریزی قبلی جهت تجمع در مقابل مجلس و صدور قطعنامه فرمایشی، شعار

تداوم اعتراضات کارگری در صنایع نساجی

مبارزات کارگران صنایع نساجی در اعتراض به سطح بیکارسازی‌ها همچنان ادامه داشته و آبدستن خیزشهای گسترده است.

در پی مصوبه اخیر مجلس اسلامی، نزدیک به ۵۰ واحد نساجی در یزد که معادل ۸۰ درصد صنعت نساجی یزد میباشند، در معرض تعطیلی کامل قرار گرفته‌اند. این امر بدین معناست که نزدیک به نیمی از جمعیت فعال این استان در آستانه پیوستن به خیل عظیم صف بیکاران هستند. هیولای بیکاری بر سر بخش وسیعی از کارگران صنایع نساجی سایه افکنده و اعتراضات پراکنده کارخانجات نساجی کماکان تداوم دارد.

کارگران تعدادی از واحدهای نساجی مازندران نیز چندین ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند. دبیر خانه کارگر مازندران، دریابگی، اظهار کرد که با توجه به شرایط موجود احتمال تشنج در منطقه بسیار است. این هشدار مسئول خانه کارگر جمهوری اسلامی را باید بعنوان فراخوان خانه کارگر به باندهای درونی رژیم به آمادگی جهت مهار و سرکوب اعتراضات آتی کارگری تلقی کرد.

همچنین شایان ذکر است که حدود ۷۰۰ کارگر کارخانه الکتریک رشت نیز نزدیک به یکسال است که بیکار شده و حقوق ناچیزی تحت عنوان بیمه بیکاری دریافت میکنند.

کارگران بر این حقیقت آگاه هستند که این ناامنی شغلی یکی از پیامدهای مستقیم دولت و مجلس در دفاع از منافع سرمایه‌داران که خود نیز جزئی از آن هستند، میباشد.

«اطلاعه»

سرکوب حرکت اعتراضی کارگران کارخانه «بارش» اصفهان محکوم است

در ۶ آذرماه سال جاری حدود ۱۳۰۰ کارگر کارخانه «بارش» اصفهان در اعتراض به سطح پایین معیشت خود، دست به تظاهرات زده و جاده اصفهان-تهران را مسدود کردند. در جریان این حرکت اعتراضی، پلیس ضد یورش رژیم به صفوف کارگران معترض هجوم برده، تعدادی را مجروح و تعداد دیگری را دستگیر و روانه زندان کرد. خانه کارگر اصفهان کوشید تا کارگران معترض را عامل «بی‌نظمی» و تهاجم نیروی سرکوبگر به صف معترضین، معرفی کند. اما تداوم مبارزه کارگران برای آزادی دستگیرشدگان افشاگر ماهیت پلیسی خانه کارگر نیز خواهد بود. ما این عمل وحشیانه رژیم ضد کارگری را محکوم میکنیم.

این واقعه بار دیگر نشان داد که علیرغم هیاهوی اصلاحات توسط نهادهای دولتی و قلم‌بدستان مزدورنش، طبقه کارگر در پیشاپیش نبرد علیه رژیم اسلامی و بیعدالتی‌های نظم موجود قرار دارد. این واقعه بار دیگر نشان داد که کارگران بدون تشکل واقعی خود، بدون سازمان سیاسی که متشکل از خود کارگران بوده و مبارزات آنها سازمان دهد، بی‌سلاح و آماج تهاجمات بیرحمانه نیروهای سرکوبگر هستند. این واقعه بار دیگر نشان داد که طبقه کارگر برای پیشبرد مبارزات خود، برای خاتمه دادن به زندگی پر مشقت خود، باید بسوی ایجاد سازمان سیاسی کارگران، بسوی حزب واقعی طبقه خود گام نهند.

زنده باد حزب بین‌المللی کارگری،
سلاح کارگران در نبرد برای رهایی

۸ آذرماه ۱۳۸۰

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست

«اطلاعیه»

سقوط اقتصادی آرژانتین نشان احتضار سرمایه‌داری است، زنده باد انقلاب جهانی

سقوط اقتصادی آرژانتین به اعتراضات و شورش‌های گسترده‌ای انجامید. فقط در طول یکماه چهار رئیس‌جمهور تعویض شده است. هزاران تن از کارگران و توده‌های به جان آمده از اوضاع اسفبار زندگی دست به شورش زده و در پی تهاجم نیروهای ضد شورش تعداد نامعلومی کشته و زخمی شده‌اند. رکود اقتصادی آرژانتین اکنون وارد چهارمین سال خود گشته و آینده مبهمی را در پیش روی دارد. دولت، ناتوان از بازپرداخت اقساط بدهی ۱۳۲ میلیارد دلاری خود، برداشت بیش از هزار دلار پول از بانک در ماه را غیر مجاز اعلام کرده است. بیکاری همچنان روبه‌افزایش بوده و بنا به ارقام رسمی تا ۱۸ درصد رسیده است. این در حالی است که بنابر اظهارات نهادهای کارگری سیستم موجود، اتحادیه‌های کارگری، حدود نیمی از نیروی آماده بکار آرژانتین بیکار است. بحران اقتصادی آرژانتین، وجهی از بحران ساختاری کل نظام سرمایه‌داری در آن کشور است. کشوری که زمانی یکی از پنج قدرت اقتصادی بزرگ جهان بشمار می‌آمد. این کشور اما اکنون یکی از بدهکارترین و ورشکسته‌ترین کشورهای جهان سرمایه‌داری بشمار می‌آید. برنامه پیشنهادی «صندوق بین‌المللی پول» در ازای پرداخت وام، معطوف به وابستگی بیشتر پول این کشور به دلار و اجرای بیرحمانه سیاست‌های ویرانگر «تعدیل اقتصادی» است. سیاستی که کاهش بودجه خدمات عمومی و خصوصی‌سازی‌ها، بیکارسازی‌های بیشتر و سرانجام سرشکن کردن بحران نظام گندیده سرمایه بر دوش طبقه‌کارگر و دیگر اقشار مزدبگیر وجوه اصلی آن است. در این میان، بخش وسیعی از اپوزیسیون چپ بورژوا در

آرژانتین کوشید تا این گندیدگی و سقوط ذاتی نظم موجود را ناشی از «بی‌لیاقتی و فساد اخلاقی» گردانندگان آن قلمداد کنند. تعداد دیگری نیز وابستگی به «بیگانه و خیانت به منافع ملی» را عامل وضع کنونی معرفی نمودند. چنین گفته‌هایی اما در واقع بیانگر اختلافات جناحهای درونی سرمایه بر سر نحوه سازماندهی نظم غیرعادلانه کنونی است. گرایش‌های دیگری از سوسیال دمکراسی و چپ آرژانتین نیز کوشیدند اعتراضات مردمی آرژانتین را در دام جنبش آنتی گلوبالیسم، از طریق شعارهای میان‌تهی بر علیه جهانی شدن سرمایه، محصور سازند. اما موفقیت نسبی هر یک از احزاب مزبور، تنها و تنها نشانگر غیاب یک حزب راستین ضد سرمایه‌داری در سطح ملی و جهانی است.

اوضاع امروز آرژانتین، آینده دیگر کشورها را در مقابل چشمان ما قرار داده است. اگر این حقیقت دارد که امروزه، امپریالیسم از طریق اهرم‌های اقتصادی خود در هدایت و سازماندهی سرمایه و سرکوب جنبش‌ها نقشی بلاواسطه دارد، این نیز حقیقت دارد که محصور شدن جنبش‌های اعتراضی در سطح برنامه‌های رنگارنگ ملی، و دنباله روی این جنبش‌ها از احزاب راست و چپ سرمایه هیچ دستاوردی بیار نخواهد آورد. اوضاع آرژانتین و چاره‌جویی تمامی جناحهای سرمایه در سطح جهان برای بازسازی آن، ضرورت و نقش حیاتی یک حزب رزمنده بین‌المللی را در مقابل جنبش کارگری بمثابه یک جنبش جهانی، قرار داده است. جهان سرمایه‌داری در آستانه سقوط و ورشکستگی، در آستانه دورانی از نظام‌گری و هرج‌ومرج قرار دارد. این جهان بیدادگر، این جهان کار و مشقت، این جهان جنگ و نفرت لایق سرنگونی و نیستی است. نیست باد سرمایه‌داری.

زنده باد انقلاب جهانی، زنده باد کمونیسم

دی ماه ۱۳۸۰

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست

سخنی با محافل مبارز کارگری

وجوه و خصوصیات

یکی از مشخصات سیاسی محافل طیف جریان انتقادی درون جنبش کارگری، اعتقاد به انقلاب کارگری برای براندازی سیستم سرمایه‌داری و مبارزه در این مسیر میباشد. مشخصه دوم را میتوان عدم پذیرش نیروهای چپ ایران بعنوان تشکل کمونیستی طبقه کارگر و در نتیجه تلاش جهت یافتن قطب کمونیستی شمرد. مشخصه و خصوصیات دیگری که محافل متعلق به «جریان انتقادی درون جنبش کارگری» را از دیگر اجزاء چپ متمایز میسازد فاصله‌گیری این رفا از سنت‌های سیاسی موجود در چپ ایران است. بعنوان مثال ایندسته از محافل کارگری همواره کوشیده‌اند تا علیرغم شرایط دشوار محیط کار و اختناق خرد کننده حاکم بر فضای سیاسی ایران، مطالعات مارکسیستی در حوزه‌های مختلف تئوریک را جانشین اکتیویسم و روزمرگی سیاسی، عمل‌گرایی و قهرمانپرستی شبه مذهبی چپ رسمی سازند.

در حالیکه سیاسیون تربیت شده در سنت توده‌ایسم و فدائیسیم و مائوئیسم به ورجه ورجه کردن سیاسی در فعالیتهای اپوزیسیونی بطرز بیمارگونه‌ای عادت کرده‌اند، فعالین کارگری دریافته‌اند که کار و زندگی روزمره آنان باید بصورت مبارزه‌ای دائمی و صبورانه با سرمایه‌داری پیش رود. اینان با درس‌آموزی از شکستهای تاکتونی، مسلح شدن به تئوری مارکسیستی برای سازمانیابی کمونیستی را در سرلوحه فعالیت‌های هدفمند خود قرار داده‌اند.

پیشرفت در کار سیستماتیک نظری برای محافل مبارز کارگری در شرایط کنونی اما در گرو عبور از موانع و کوره‌راه‌های پیچ در پیچی است. علل این دشواری‌ها بسیارند. نبود سنن مارکسیستی و گسست در پیوستگی تاریخی و تجارب جنبش

کمونیستی در ایران، ایزولگی و ناتوانی گروه‌های انترناسیونالیست موجود در مبدل شدن به یک قطب و جنبش سیاسی دخیل در تحولات، اختناق حاکم بر ایران، سطح پایین سواد در جامعه و نبود فرهنگ تحقیق و مطالعه در جنبش‌های سیاسی از جمله این علل هستند. کافی است تا به کل ادبیات گروه‌های چپ ایران از زاویه برآورد تولید فکری، (صرفنظر از ماهیت آن) نظری افکند تا عمق این فقر فرهنگی و تئوریک بر ملا گردد.

در نوشته‌ها و متون چپ ایران، برخلاف چپ اروپا یا حتی امریکای لاتین، بندرت میتوان مبحثی یافت که بر مبنای حداقل استانداردهای کار تحقیقی و نظری (گذشته از مضمون آن) بتوان آنرا «کار تئوریک، تحقیقی» نامید. انتشارات چپ بورژوا در ایران، همانند تولیدات قشری که آنرا نمایندگی میکنند، مملو از مونتاز اجناس بنجل با مارک‌های تقلبی بشیوه‌ای عقب‌مانده است. محافل طیف جریان انتقادی، در تجربه روزمره خود به حقایق یاد شده پی برده و از اینرو در صدد کار هدفمند و جدی در عرصه نظری برای پاسخگویی به معضلات پیشروی جنبش کارگری کمونیستی هستند. فعالین تشکیلات کارگران انترناسیونالیست خود از چنین سنتی برخاسته‌اند. ما ضمن تلاش برای تقویت سنت بحث و مطالعه سیستماتیک در میان محافل کارگری و سیاسی، برآن بوده‌ایم تا متون نظری خود را حول مسائل و معضلات مطرح در صفوف این طیف متمرکز سازیم. معضلاتی مانند نقش و جایگاه قطب‌های به اصطلاح سوسیالیستی و رابطه آن با جنبش کارگری، ماهیت جنبش‌های ملی و نقد کمونیستی از آن، مفهوم حزب و رابطه آن با تشکلهای کارگری و قدرت‌سیاسی، سرمایه‌داری و بحران ساختارسیاسی اقتصادی آن و بالاخره موضع کمونیستی در قبال مسائل اساسی روز.

اکنون نیز یقین داریم که در صورت گسترش فعالیت سیاسی و توزیع ادبیات کمونیستی، شاهد جهش کیفی چشمگیری در نزد طیفی خواهیم بود که تشکیلات کارگران انترناسیونالیست بیانگر مواضع آن است: یعنی طیف جریان انتقادی درون جنبش کارگری.

شد. در پی این شکست، پیشروی نظری پرولتاریا نیز به مثابه عرصه‌ای از این مبارزه، همانند مواضع سیاسی و تشکیلاتی آن، توسط طبقه حاکم سد گردید. شکل این شکست اما، بر خلاف کمون پاریس در حوزه سیاسی و نظامی رخ نداد. بلکه بصورت ایزوله شدن انقلاب و محاصره و تضعیف گام به گام بوقوع پیوست. شکست انقلاب اکتبر تسخیر قلعه از درون بود. بازتاب ایدئولوژیک این شکست سهمگین چه بود؟

جدال در عرصه نظری

با پیروزی جنبش پرولتری در عرصه نظری، یعنی با ظهور مارکسیسم، نبرد در حوزه تئوری و لاجرم برنامه، از اهمیت تاریخی و تعیین‌کننده‌ای برخوردار شده بود. چرا که انقلاب پرولتری بر خلاف تمامی انقلابات تانکونی جامعه بشری حاصل شکل‌گیری نظام اقتصادی جدید در دل نظام اقتصادی قدیم نخواهد بود. نظام سرمایه‌داری، آخرین شکل و سیستم اقتصادی مبتنی بر طبقات و هدف انقلاب کارگری برچیدن این نظام و بنا کردن نظم نوین انسانی است. این امر مهم تاریخی بخودی خود بوقوع نخواهد پیوست. از همین رو نیز جنبش ما نیاز به تئوری و برنامه، تاکتیک و استراتژی برای پیشروی در مبارزه و نقشه برپایی جامعه کمونیستی دارد. در مقطع کمون پاریس و در آستانه انقلاب اکتبر، بورژوازی هنوز به عمق خطر کمونیسم در براندازی سرمایه‌داری واقف نبود. با این وجود، نگاهی به تاریخ تکامل نظری مارکسیسم روشن می‌سازد که نقش تحلیل‌های تئوریک مارکس از مبارزه طبقاتی در اروپا و یا ارزیابی لنین از زوال سرمایه‌داری و آغاز انقلابات پرولتری چه اهمیتی در سازمانیابی جنبش کمونیستی داشته است. بورژوازی جهانی اما تنها به تهاجم به انقلاب اکتبر و انزوای آن قناعت نکرد.

حال دیگر روشن شده بود که جدال در عرصه نظری و وضعیت سازمانی جنبش کمونیستی، دماسنج مبارزه طبقاتی است. از همین رو سیستم ایدئولوژیک و

با توجه به ضرورت شکل دادن به مطالعات و مباحث سیاسی برای دستیابی به پلاتفرم نظری انترناسیونالیستی لازم است تا در اینجا نگاهی گذرا به برخی از جوانب سنن کمونیستی در عرصه نظری از دیدگاه تشکیلات کارگران انترناسیونالیست بپردازیم.

سنن انترناسیونالیستی

کمونیست‌ها بر پیوستگی تاریخی جنبش کارگری (در عرصه سیاسی، نظری و تشکیلاتی) تاکید داشته و از سنن انترناسیونالیستی اتحادیه کمونیست‌ها و مارکس دفاع می‌کند. سنتی که با انجمن‌های مخفی کارگری و تکامل ایده‌های سوسیالیست‌های تخیلی به پلاتفرم سیاسی آغاز شد، با مارکس و انگلس چیرگی خود را بر روایات بورژوایی از تبیین و تکامل جامعه بشری به ثبوت رساند و با انترناسیونال اول، دوم و سوم، تئوری‌های سیاسی و سازمانگری را تکامل داد.

این پیوستگی تاریخی اما حرکتی خطی و ساده نبوده است. تاریخ جنبش کارگری، تاریخ پیروزی‌ها و شکست‌ها، تاریخ پیشروی‌ها و عقب‌نشینی‌های جنبش طبقه ما است. مواضع سیاسی تشکلات کارگری نیز بازتاب این افت و خیز تاریخی بوده است. هر شکست جنبش پرولتری در مبارزه برای سرنگونی سیستم موجود، به مفهوم پیشروی طبقه حاکم در همه عرصه‌های این نبرد تاریخی (نظری، سیاسی و تشکیلاتی) بوده است. فلسفه وجودی روایات بورژوایی از کمونیسم نیز ریشه در این واقعیت تاریخی دارد.

جنبش طبقه ما تاکنون به دو اقدام تاریخی برای کسب قدرت سیاسی و سرنگونی بورژوازی جهانی منتهی گشته است: کمون پاریس و انقلاب اکتبر. انقلاب اکتبر، که رهبری آن متکی به دستاوردهای جنبش جهانی کارگری و بویژه شکست انترناسیونال دوم بود، ناقوس انقلاب جهانی را به صدا در آورد. موج انقلاب جهانی اما در اروپا، با شکست انقلاب آلمان متوقف گشت. سرانجام با انزوای شوروی یک شکست سهمگین تاریخی دیگر به پرولتاریا تحمیل

دستگاه آموزشی حاکم برای تهاجم به مواضع پرولتری بسیج گشت.

مواضع تسخیر شده

با تسخیر شدن کامل مواضع سیاسی سابق، موجی از تفاسیر انحرافی از مارکسیسم و تئوری‌های مارکسیستی شکل گرفت. به این واقعیت باید همچون عارضه طبیعی شکست سیاسی در عرصه نظری نگریست. نتیجه این امر فورموله شدن انواع برنامه‌های سیاسی و مرحله‌بندی انقلاب پرولتری در فازهای متعدد بود. اگر برنامه انتقالی تروتسکیستی تجلی آخرین عقب‌نشینی نظری اپوزیسیون چپ در مقابل فشار سوسیال‌دمکراسی و شکست تدریجی انقلاب بود، برنامه مائوئیستی انقلاب دمکراتیک خلق و برنامه‌های سیاسی متعدد برای رهایی و استقلال ملی در دوران چیرگی استالینسم تفاسیر بورژوایی و ضدانقلابی متکی به شکل‌بندی گفتاری مارکسیستی پس از شکست انقلاب بودند.

در سوی دیگر اما دستگاه آموزشی بورژوا نقد و تهاجم سیستماتیکی را به بنیادهای مواضع و تئوری‌های کمونیستی و بویژه به ایده حزب سیاسی کارگری سازمان داد. سرخوردگی و گیحی بخشی از رهبران و مبارزان سابق کمونیست در اروپا نیز این روند را یاری کرد. تئوری‌هایی که بعنوان مثال در بعد از شکست انقلاب آلمان و خیزش کارگری تورین در ایتالیا فورموله شدند، مانند نظرات اتوروله، پانه‌کوک و گورتر که ما در ادبیات خود از آن بعنوان سنت چپ آلمان و شورآگرایی یاد می‌کنیم و تئوری هژمونی آنتونیو گرامشی در ایتالیا، جوهی از همین سرخوردگی سیاسی را نیز متجلی میکنند. تئوری هژمونی آنتونیو گرامشی بعنوان مثال بعدها یکی از پایه‌های شکل‌گیری اروکمونیسم، چپ نو و بالاخره مکتب نئومارکسیستی، بخوان ضدمارکسیستی، دیسکورز (تئوری که امروزه در میان محققین چپ اروپا بشدت مد شده) گشت. این در حالی است که دو مکتب فلسفی حاکم در اروپا، مارکسیسم انسانگرا و مکتب ساختارگرا، قطب اصلی برای گرایشاتی

بوده‌اند که کوشیده‌اند تا از روایات سنتی مارکسیسم بورژوا فاصله گیرند.

چیرگی جنبش انترناسیونالیستی دهه‌های اخیر بواقع میبایست از مجرای جدال با جریانهای مزبور بدست می‌آمد. واقعیت اما اینست که حتی خود این جنبش نیز قادر به رهایی از سیطره این روایات نگشته است. از همین رو نیز جنبش سیاسی پرولتری بدلیل ضعف خود قادر به ایفای نقش چشمگیری در عرصه جدال با جریانهای فکری که بنام مارکسیسم پتانسیل کارگران و مبارزان را به اسارت میگیرند نبوده است. اختناق استالینی از یک سو و فضای سنگین ناشی از شکست از سوی دیگر، گروههای ضعیف کمونیستی را در شرایطی قرار داد که آنان فراتر از دستاوردهای اپوزیسیون کمینترن و مواضع انقلابی گذشته نرفتند.

چه باید کرد

اکنون ده‌ها جبهه نظری و کوره راه بظاهر مارکسیستی در مقابل محافل معترض به نظم موجود قرار دارد. در چنین شرایطی، پیشروی جریان کمونیستی منوط به حضور سازمان سیاسی کارگری در صحنه مبارزه طبقاتی است. شکل‌گیری چنین سازمانی نیز به نوبه خود در گرو یک جدال تاریخی با گرایشات بورژوایی حاکم، با جریانهای فکری که سهم مهمی در تسخیر مواضع سیاسی نظری طبقه ما داشته‌اند، میباشد. بدون کنار زدن جریانهای بورژوایی که بنام مارکسیسم به خلع سلاح نظری جنبش کارگری پرداخته‌اند، بدون پاسخگویی به معضلات اساسی موجود و توضیح ساختار سیاسی اقتصادی و روند حرکت جامعه، بدون یک استراتژی و تاکتیک روشن برای براندازی سرمایه در سطح جهانی بدون یک برنامه کمونیستی متکی بر تجارب تاکتونی جنبش کمونیستی کارگری، بدون همه اینها خروج از «دایره باطل شکست و مبارزه» ممکن نخواهد بود. باور به این امر که رشد مبارزه طبقاتی بخودی خود موجب شکل‌گیری پلاتفرم نظری و برنامه کمونیستی از جنبش عینی کارگری خواهد شد، تفکری ساده‌لوحانه است. چنین تفکری در ابتدا، در

ایدئولوژی حاکم باشند، هر گونه پیشروی جنبش طبقه ما در کوره راهها و موانع رنگارنگ موجود مسدود خواهد گشت.

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست همه شما را فرا میخواند تا مطالعات و مباحث خود را حول اساسی‌ترین مسایل مبارزه طبقاتی در عصر حاضر متمرکز سازید. ما کوشیده‌ایم تا مسایل مزبور را در خطوط عمده مواضع خود بصورت موجزی بیان سازیم. این خطوط، حتی اگر موجب روشن شدن تمایزات و اختلافات شما با یکدیگر و جریان ما گردد، باز هم گامی به جلو است.

رفقای کارگر، عناصر روشنفکر و انقلابی!

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست، پرچمی است که بدست تعدادی از فعالین جنبش کارگری ایران، برای سازمانیابی کمونیستی کارگران به اهتزاز در آمده است. این حرکت محصول بیش از دو دهه مبارزه محافل مستقل کارگری علیه رژیم‌های سرمایه‌داری و فعالیت پیگیر جهت دستیابی به مواضع سیاسی نظری طبقه ما است. مواضعی که در زیر آواری از روایات بورژوازی از کمونیسم (استالینیسم، مائوئیسم، تروتسکیسم، اروتونیسم، چپ نو و . . .) و گیج‌سازی‌های لیبرال آنارشیستی آکادمیست‌های دستگاه ایدئولوژیک حاکم، مدفون گشته است.

رفقای عزیز!

شما خود نیک میدانید که خلاء سیاسی موجود در جنبش کارگری چه پیامدهای مهلک سیاسی به همراه دارد. شما خود به خوبی از اهمیت حضور یک قطب کمونیستی در این کشاکش نابرابر طبقاتی آگاه هستید. تشکیلات کارگران انترناسیونالیست همه شما را به حرکتی متحد و هدفمند برای سازمانیابی کمونیستی بزیر پرچم سرخ طبقه ما، پرچم کمونیست‌های انترناسیونالیست فرا میخواند.

بعد از شکست انقلاب اکتبر، توسط روشنفکران سرخورده جنبش کمونیستی اروپا فورموله شد و طی سالهای متمادی خط‌آمیز بودن آن برملا گشته است. سؤال اینست که چگونه میتوان بر کاستی‌ها و موانع موجود فائق آمد. حقیقت مسلم این است که پیشروی سازمانی و نظری جنبش کارگری تابعی از توازن قوای سیاسی و موقعیت عمومی مبارزه طبقاتی است. این اما تنها از یک چشم انداز تاریخی قابل فهم است. لذا نباید از نظر دور داشت که نقش عنصر آگاه، در مبارزه بین انسانهای زنده، بسی مهم است. اگر از این زاویه به اهمیت و جایگاه تاریخی مبارزه نظری برای اهداف کمونیستی بنگریم، درمی‌یابیم که چه راه دشواری در پیش رو داریم. دشواری‌هایی که محصول سیطره بورژوازی بر پرولتاریا در عرصه نظری و ایدئولوژیک هستند.

اما موانع ناشی از شرایط ویژه ایران را هم نباید دست کم گرفت. پس از عروج جنبش اصلاح‌طلبی به صحنه سیاست، شاهد سرخوردگی و دگردیسی بخش قابل توجهی از عناصر و محافل طیف جریان انتقادی درون جنبش کارگری بوده‌ایم. تجارب تلخ محافل مبارز از نقش مخرب جناح چپ سرمایه‌ی یکی از دلایل این سرخوردگی است.

ضمن تلاش برای نقد بی‌وقفه چپ، نباید اجازه داد که دستور کار و فعالیتهای فکری ما را جناحهای اسلامی تازه بدوران رسیده بورژوازی تعیین سازند. نباید به دام بحث دمکراسی و حدود و ثغور آن از دید مجاهدین انقلاب اسلامی و خانه کارگر غلطید. نباید به دام مبحث میان‌تهی و من‌درآوردی مثنی‌قالتاق سیاسی و توده‌ای‌های کارکشته تحت عنوان تشکل صنفی و یا مستقل تن داد. کارگر کمونیست به هیچ چیز جز یک حزب کمونیستی رضایت نخواهند داد.

رفقای عزیز! بر شما است تا پا به پای تغییرات شتابنده دنیای کنونی، با وسعت نظر، نیروی خود را صرف کار هدفمند نظری حول معضلات اساسی جنبش سیاسی پرولتری سازید. نسل آتی که پا به میدان مینهد، امکانات بسیار و در عین حال موانعی بس دشوارتر در پیش روی خود دارد. به یاد داشته باشیم که بدون قشری از نظریه‌پردازان جنبش کارگری که قادر به رویارویی با نمایندگان اصلی

رئوس اهداف و مواضع

«تشکیلات کارگران انترناسیونالیست»

«تشکیلات کارگران انترناسیونالیست» به وسیله تعدادی از فعالین جنبش کارگری ایران در تداوم بیش از دو دهه مبارزه علیه سرمایه‌داری و فعالیت پیگیر برای دستیابی به اهداف و مواضع کمونیستی و سرانجام در پی یک دوره مباحثات در گرد نشریه «پیک انترناسیونالیستی» در آوریل ۲۰۰۱ بنیان گذاشته شد. هم اکنون نشریه «مبارزه طبقاتی» به عنوان نشریه سیاسی خبری و نشریه «پیک انترناسیونالیستی» به عنوان نشریه تئوریک جریان ما انتشار می‌یابد. «تشکیلات کارگران انترناسیونالیست» از لحاظ سیاسی خود را مدافع سنن اتحادیه کمونیست‌ها، انترناسیونال اول، جناح چپ انترناسیونال دوم، و بویژه جناح چپ بین‌الملل سوم دانسته و از سنن چپ کمونیستی دفاع می‌کند. سنی که در مبارزه علیه استالینسم و نقد مبانی گرایش‌های فکری دیگری چون مائوئیسم و تروتسکیسم تکامل یافت. «تشکیلات کارگران انترناسیونالیست» برای سازمانیابی کمونیستی کارگران، فعالیت هدفمند نظری جهت اشاعه و بسط مواضع کمونیستی و برای ایجاد حزب انترناسیونالیستی طبقه کارگر فعالیت می‌کند. حزبی که با رهبری انقلاب کارگری در مناطق و کشورهای مختلف نبرد بین‌المللی علیه سرمایه را سازمان داده و برای برپایی جامعه‌ای عاری از طبقات و استثمار، بری از جهل و فقر و جنگ و دیگر مظاهر سرمایه‌داری مبارزه می‌کند. خطوط اصلی مواضع «تشکیلات کارگران انترناسیونالیست» به قرار زیر است:

۱- سیستم سرمایه‌داری که مرحله رشد صعودی آن تا پایان قرن نوزدهم به طول انجامید با جنگ جهانی اول وارد دوران زوال خود گردید که با تغییر کارکرد سیستم، اشکال بروز بحران و تحول ساختار روینمایی آن توأم بود.

۲- روند ادغام ساختارهای اقتصادی و دولتی به مثابه نمودی از دوران زوال و مفری برای خروج از بحران ساختاری سرمایه، در بعد از جنگ جهانی اول آغاز شد. این روند با فاشیسم در ایتالیا، برنامه نیودیل در آمریکا، برنامه اقتصادی جبهه خلق در فرانسه، برنامه اقتصاد رفاه در انگلیس و بالاخره قدرت‌گیری نازیسم در آلمان و استالینسم در روسیه اوج یافت و به صورت گرایش سرمایه به دولتی شدن در متروپول و پیرامون، در بعد از جنگ جهانی دوم تشدید گردید.

۳- جنگ‌های جهانی اول و دوم به مثابه تنها آلترناتیو برای خروج سرمایه‌داری از بحران‌های گذشته خود در مرحله زوال بود. تداوم بحران دهه هفتاد پس از جنگ جهانی دوم، موجب اوجگیری جدال جناح‌های امپریالیسم جهت دستیابی به بازارهای جدید به صورت جنگ‌های ملی و منطقه‌ای، شکست الگوی سرمایه‌داری دولتی و کاهش نقش دولت در اقتصاد و بالاخره تهاجم گسترده به سطح معیشت طبقه کارگر گشته است. آینده جامعه بشری در شرایط کنونی در گرو حرکت آتی طبقه کارگر به مثابه تنها نیروی دگرگون‌ساز عصر حاضر و میزان آمادگی سازمانی آن در مقیاس جهانی است.

۴- اتحادیه‌های کارگری که در مرحله اولیه رشد سرمایه‌داری، سازمانهای مبارزه طبقاتی بودند در عصر حاضر تبدیل به ارگانهای کنترل و به انحراف کشاندن مبارزات کارگری توسط طبقه حاکم و جناحهای آن شده‌اند. در دوران کنونی امکان بازپس گیری این تشکیلات توسط طبقه کارگر و یا اصلاح و تبدیل آنها به سازمانهای مستقل کارگری از میان رفته است. اکنون به تناسب شرایط و به موازات مبارزات کارگری هیئت‌های نمایندگی، کمیته‌های کارخانه و سرانجام شوراهای کارگری مناسب‌ترین اشکال سازمانیابی مبارزه کارگری می‌باشد. اعضای این ارگانها انتخابی، قابل عزل و همچنین وظایف آن از سوی گردهمایی‌های کارگری تعیین می‌شوند.

۵- شرکت در نمایشات انتخاباتی و پارلمانی در عصر زوال و فروپاشی سرمایه‌داری تحت عنوانی چون «استفاده از تربیون بورژوازی» یا «انهدام انقلابی پارلمان از درون» نهایتاً به تقویت توهّمات پارلمانتاریستی و سردرگمی طبقه کارگر منجر می‌شود. عر کلیه جنبش‌های ملی عرصه‌ای از کشمکش جناح‌های مختلف امپریالیسم بوده و حمایت و یا شرکت در درگیریهای ملی به معنای شرکت در جنگ‌های ارتجاعی می‌باشد.

۷- معضلات متعدد اجتماعی نظیر ستم‌های جنسی و نژادی جزئی از موجودیت نظام کنونی بوده و دائماً توسط آن بازتولید می‌گردد. ایجاد انجمن‌ها و یا سازمان‌های ویژه که پایه‌های واقعی این معضلات (سیستم سرمایه‌داری) را مورد هدف قرار نمی‌دهند، نه تنها در خدمت حل این معضلات قرار نمی‌گیرد بلکه از طریق تقسیم طبقه کارگر به گروه‌های متفرق جنسی و نژادی، موجب تضعیف مبارزه طبقاتی می‌گردد.

۸- انقلاب اکتبر روسیه با شکست انقلاب آلمان و انزوای حکومت شوراهای و در نتیجه انحطاط حزب بلشویک از طریق تسلط استالینسم و سرکوب اپوزیسیونهای چپ و کارگری دچار شکست قطعی شد. در پی انحطاط حزب بلشویک و بین‌الملل کمونیستی، کلیه احزاب چپ و کمونیست در خدمت پروسه ادغام ساختارهای دولتی و اقتصادی قرار گرفته و تبدیل به چپ سیستم سیاسی سرمایه‌داری شدند. برخلاف تبلیغات ضدکمونیستی امپریالیسم غرب، سقوط شوروی سابق نه شکست کمونیسم، بلکه شکست مدل معینی از سرمایه‌داری بر اثر تشدید بحران این نظام بود.

۹- کلیه دول به اصطلاح سوسیالیستی تاکنونی (آلبانی سابق، چین، کره شمالی و کوبا و ...) که از طریق جنبش‌های ملی و توده‌ای شکل گرفتند، تجلی بحران سرمایه‌داری و نهادهای جناح چپ طبقه حاکم بوده و می‌باشند.

۱۰- کلیه احزاب سوسیال‌دمکرات، لیبرال و کنسرواتیو مدافع منافع جناحهای مختلف سرمایه‌داری جهانی و تمامی احزاب استالینستی، مائوئیستی و تروتسکیستی مدافع منافع جناح چپ طبقه بورژوا هستند.

۱۱- حزب طبقه کارگر جانشین طبقه در مبارزه طبقاتی نمی‌گردد. وظیفه حزب نه قبضه کردن قدرت سیاسی به نیابت از طبقه کارگر، بلکه دخالت فعال در مبارزه طبقاتی، ارتقاء طبقه کارگر به طبقه حاکمه از طریق سازماندهی انقلاب کارگری و دفاع از برنامه کمونیستی برای برپایی جامعه نوین انسانی می‌باشد.